



## مهریه و محاسبه آن به نرخ تورم

پدیدآورنده (ها) : موسوی بجنوردی، سید محمد؛ شاکری سیاوشانی، ندا

فقه و اصول :: نشریه نامه الهیات :: تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۱۱

صفحات : از ۴۳ تا ۵۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/847258>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- تحلیل مفهوم و مبنای ضمان درک مبیع در حقوق ایران و فرانسه
- اثربخشی روان درمانی کوتاه مدت روابط موضوعی بر کاهش شدت افسردگی و مشکلات بین فردی زنان مبتلا به اختلال افسردگی اساسی با همبودی اختلال های شخصیت خوشه C
- ارزیابی معنای زندگی در بیماران سرطانی
- توافق بر خسارت در کامن لا
- معیارهای تشخیص بیع و معاوضه در حقوق ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلیس
- پیش بینی کیفیت زندگی معلمان زن بر اساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی
- الگوی میانجی احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی، بهزیستی معنوی، فاصله اجتماعی و افسردگی دانشجویان دختر
- اثربخشی رفتار درمانگری شناختی در بهبود کیفیت زندگی بیماران دچار سرطان
- بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان؛ مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلیجان
- اثر بخشی آموزش ذهن آگاهی بر کاهش استرس ادراک شده در بیماران مبتلا به سرطان پستان
- کالبدشناسی کاربران شبکه های اطلاع رسانی
- حضانت طفل در فقه و حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق انگلیس

## عناوین مشابه

- گزیده مصوبات: نحوه محاسبه مهریه وجه رایج به نرخ روز و دیون و شاخص ماهانه برای محاسبه خسارت تأخیر تا دیه چک
- تاملی بر نرخ تنزیل اجتماعی و رویکردهای محاسبه و کاربرد آن
- نگاه قرآن به دیه و نحوه محاسبه آن در عصر حاضر
- محاسبه حجم پول به روش دیویسیا و مقایسه آن با حجم پول، جمع ساده در ایران
- برآورد شکاف تولید و تأثیر آن بر نرخ تورم در اقتصاد ایران
- محاسبه ثقل تورم (هسته مرکزی تورم) در ایران و مقایسه آن با تورم کلی
- برآورد نرخ بیکاری همراه با تورم غیرشتابان در اقتصاد ایران و کاربرد آن در سیاستگذاری اقتصادی
- تجزیه و تحلیل عدم تقارن میان شاخص سهام و نرخ تورم به کمک رویکرد هم انباشتگی پنهان (مطالعه موردی ایران)
- مقالات اقتصادی: نرخ تورم در ایران و سایر کشورهای رو به توسعه
- قوانین و مقررات: نحوه محاسبه خسارت تأخیر چک بر مبنای نرخ تورم

## مهریه و محاسبه آن به نرخ تورم

آیت الله دکتر سید محمد موسوی بجنوردی\*

نداشاکری سیاوشانی\*\*

### چکیده

دین مبین اسلام که همیشه حامی نوع بشر بوده و هست هزار و چهارصد سال پیش در عقد ازدواج مهریه را بعنوان هدیه‌ای از طرف مرد برای زن قرار داد که وجود آن الزامی است، تا بدین وسیله او را ضمن بهره‌مندی اقتصادی، اکرام و تعظیم کند. اما امروزه به جهت تحولات طبیعی دنیای اقتصاد و به جهت کاهش ارزش مالی پول، از اعتبار پولی که بعنوان مهریه قرار داده می‌شد روز به روز کاسته گشت و مهریه زن در کنار سایر پولها، قدرت خرید خود را از دست داد، تا جایی که این سوال مطرح شد که تکلیف مهریه‌ای که پس از سالها، قدرت خرید خود را از دست داده است از نظر فقه و شرع مقدس اسلام چیست؟ و قانون در این راستا چه چیزی بیان می‌دارد. براساس یافته‌های این تحقیق مابه التفاوت نرخ تورم به اصل خود مهریه اضافه می‌گردد تا همان قدرت خرید روز انشای عقد در این مقدار از پول تجلی یابد.

### واژگان کلیدی

مهریه، مهرالمسمی، مهرالمثل، مهرالسنه، ماهیت حقوقی مهریه، تعدیل (محاسبه به نرخ روز)، تورم

\*. استاد دانشگاه تربیت معلم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

\*\* . دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه فقه و مبانی حقوق

## مقدمه

از آنجا که حقوق زوجین در نظام اسلامی به سفارش خداوند متعال و فرستاده به حقش، دارای اهمیت و جایگاه مقدسی است و خانواده نیز که از مهمترین و اساسی‌ترین مباحث اجتماعی می‌باشد؛ بی‌شک از میان مسائل و موضوعات پرشمار نهاد خانواده، مساله مهریه به عنوان یکی از مسائل «روابط مالی زوجین» مهمترین موضوعی است که همیشه ضمن بیان عقد نکاح، متبادر به ذهن است و امروزه یکی از موضوعات اصلی و اختلاف برانگیز و گاه لاینحل در عقد نکاح، «تعیین مهریه» است، که اهمیت این موضوع بخصوص در دوره ما بر کسی پوشیده نیست. مهریه از جمله حقوق مالی زن ناشی از زوجیت است و از اختصاصات حقوق اسلامی می‌باشد، که در خصوص اهمیت مهریه و الزام مردان به پرداخت آن بیان گردیده است. مهریه در عرف نشانه ارج و احترامی است که مرد برای زن قائل است و مظهر تعهد شوهر برای تامین زندگی زن می‌باشد.

با نگاهی به تاریخ و تمدن‌های مختلف روشن می‌شود که مهریه در ادیان و تمدن‌های قبل از اسلام نیز به شکل‌های مختلفی وجود داشته است و لذا اسلام آن را امضاء نموده و نه تاسیس. قرآن با تثبیت چنین قانونی، بر شخصیت زن مهرتحکیم زد و در واقع با شناخت کامل خود از ساختار وجودی او بهترین‌ها را برایش رقم زد. با گذشت زمان از ارزش مالی آنچه شارع در متن دین بعنوان مهریه تدبیر کرد کاسته گشت تا جایی که مهریه‌هایی که وجه رایج بودند تفاوت چشمگیری از زمان وقوع عقد تا زمان پرداخت داشتند. لذا فقه پویا، راهکارهایی مطابق موازین شرع اندیشید، راهکاری با عنوان تقویم مهریه به نرخ روز تا گامی در جهت تحقق اهداف شارع برداشته باشد.

## مهریه و ماهیت آن

مهر به فتح میم، کلمه‌ایست عربی، جمع آن مهور است. کلمات دیگر مترادف آن در عربی، صداق، فریضه و اجر میباشد. در قرآن مجید واژه مهر بکار نرفته بلکه از لغات معادل آن استفاده شده است.<sup>۱</sup> در نتیجه تحقیقات و بررسی‌هایی که به وسیله دانشمندان زبان‌شناسی به عمل آمده معلوم شده است که «مهر» از واژه‌های بسیار قدیمی است که اصل اشتقاق آن روشن نیست.

در فارسی مهر به معنای درستی، محبت، کابین، صداق، پول یا مالی که هنگام عقد نکاح بر ذمه مرد مقرر می‌شود است و از لحاظ لغوی به معنای عوض به کار رفته است. برخی را نیز عقیده بر آن است که مهر از کلمات آکادی "mhr" و "mahiru" (مقابل، عوض) مشتق شده است. اما نظر به این که هیچ یک از نظریه‌های مذکور به علت فقد دلیل کافی، نمی‌تواند حجیت داشته باشد، شاید بهتر آن است که مانند وجود دو اصل مختلف MHR و MHR را در این خصوص قبول کنیم.<sup>۱</sup>

سال پنجم، شماره نازدهم، تابستان ۱۳۹۰

۱. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، ص ۲۱۹

۲. آراد، علی، مهر، تاریخچه و ماهیت و احکام آن، ص ۴۸

مهریه رایج‌ترین واژه‌ی است که در روایات و اصطلاحات فقها و میان مردم کاربرد دارد. در زبان انگلیسی از معادل «dowry of bride» و «mahr» و «price» برای مهریه استفاده شده است.<sup>۱</sup> در دایره‌المعارف اسلام برای تعریف مهریه آمده است: «مهر از کلمه عربی موهار «mohar» و از ریشه سریانی «mahra» گرفته شده است که به معنای هدیه عروس می‌باشد.<sup>۲</sup> و مرحوم دهخدا مهریه را به معنی کابین و دست پیمان دانسته است.<sup>۳</sup>

در آیات شریفه قرآن بارها با کلمات مختلف همچون صدق، نخله، فریضه و... به مهر اشاره شده است؛ ولی از میان نام‌هایی که برای مهریه، مورد تبیین و بررسی لغوی و اصطلاحی قرار گرفته، واژه صدق بیشتر به مهریه اطلاق شده است و از کثرت این استعمال شاید بتوان با عنایت به ریشه لغوی آن، چنین نتیجه گرفت که ملاک از تعیین مهریه در عقد نکاح بیشتر جنبه معنوی، که همانا «صدق و رغبت صادقانه‌ی مرد به زن» است، مدنظر بوده است<sup>۴</sup> و اصولاً هدف از مهریه در عقد نکاح، عطیه و بخشش و نشانه‌ای از محبت و وثاقت و مودت و پشتیبانی‌های شخصیتی و خانوادگی و اجتماعی می‌باشد.

همچنین در قرآن مجید از پرداخت آن به عنوان هدیه و بخشش مرد نسبت به همسر خود یاد شده است. آنچنان که در آیه ۴ سوره نساء می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ» تعبیر قرآن مجید از مهریه با عنوان «صدقاتهن» نشانه شروع زندگی صادقانه و تعبیر آن به نخله، مبین پرداخت حلاوت‌آمیز و شیرین آن می‌باشد و اگر مهریه براین اساس توجیه شود وسیله‌ای برای ایجاد مهر و محبت بین زوجین و عاملی قوی برای الفت و مهربانی و قوام یک زندگی شیرین در بین آنان خواهد بود.

مهریه، حق شرعی و قانونی زوجه می‌باشد و در دین اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که چنانچه زوج از دین اسلام خارج شود و توانایی پرداخت مهریه را نداشته باشد، پرداخت آن بر عهده بیت‌المال است.<sup>۵</sup>

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۲۱ مقرر داشته است که دولت موظف به تضمین حقوق زن در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی و ایجاد زمینه‌های مناسب برای احیای حقوق مادی و معنوی او می‌باشد و اصل ۱۰ قانون مذکور بر تشکیل خانواده و پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی تاکید دارد.

۱. یوسف زاده، حسن، «بایش جامعه شناختی»، کتاب زنان، ص ۵۰

۲. محقق داماد، همان، ص ۲۱۹

۳. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۴، ص ۴۶

۴. محقق داماد، همان، ص ۲۱۹

۵. باباخانی، زرین، مهریه حقوقی خاصه‌ی زوجه، ص ۱۶

بنابراین، مهریه عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن است. الزام مربوط به تملیک مهریه، ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد، لذا سکوت زوج و زوجه و حتی توافق بر اینکه زوجه مستحق مهریه نباشد، نمی‌تواند تکلیف زوج را در این زمینه از بین ببرد و می‌توان گفت که مهریه، نوعی الزام قانونی است که بر مرد تحمیل می‌شود و فقط زوجین می‌توانند هنگام بستن عقد یا پس از آن مقدار مهریه را به تراضی معین سازند.<sup>۱</sup>

در شرع مقدس اسلام، نکاح بی‌مهر نیست و حتی اگر مهریه را معین نکنند، باز هم قهراً ثابت می‌شود؛ مگر اینکه زن، مهریه را به شوهر ببخشد.

مهریه رکن عقد نکاح نیست، و اگر در عقد نکاح نیز نامی از آن آورده نشود، عقد صحیح است، زیرا ذکر مهریه از شرایط صحت عقد دائم نیست، بلکه ذکر مهریه مستحب است و در این مساله اختلاف نظری وجود ندارد.<sup>۲</sup>

ولی باید توجه داشت که نکاح، بدون مهریه نخواهد بود. مهریه در نکاح به منزله عوض در معاملات عادی نیست، به همین جهت می‌توان از ذکر آن، هنگام عقد صرف‌نظر کرد و پس از عقد، زوجین آن را تعیین نمایند و یا پس از نزدیکی مهرالمثل را پرداخت نمایند.<sup>۳</sup> در زمینه اینکه موضوع مهریه چه می‌تواند باشد، قانون مدنی ضمن ماده ۱۰۷۸ بیان می‌دارد که: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملیک نیز باشد را می‌توان مهر قرار داد». طبق این ماده و نظر فقها و آنچه در تعریف مهریه بیان شد، موضوع مهریه باید مال باشد و همچنین برای فرد مسلمان قابل تملک باشد یعنی از آن دسته از اشیاء و اعیان که مشروعا فاقد ارزش هستند مثل آلات لهو و خمر و خنریز و... نباشند؛ و از جمله آن دسته از اموالی که اصولاً قابل اختصاص یا انتقال نیستند، مانند موقوفات و اموال عمومی نیز نباشند. اما اگر چیزی باشد که ولو برای یک نفر نیز دارای ارزش خانوادگی باشد و مالیت داشته باشد را می‌توان مهریه قرار داد، مانند عکس خانوادگی.<sup>۴</sup>

بنابراین مال، ممکن است به اشکال زیر باشد:

۱. عین معین باشد: مانند خانه معین، اتومبیلی معین.
۲. کلی باشد: مانند مقداری پول، گندم.
۳. منفعت باشد: مانند اجاره بهای خانه‌ای برای مدت معین.
۴. عمل (کار) باشد: مانند تعلیم زبان خارجی، آموزش قرآن.

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، ج ۱، ص ۱۳۸

۲. صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۶۳

۳. یثربی قمی، سید علی، حقوق خانواده، ص ۸۷

۴. محقق داماد، همان، ص ۲۱۹

۵. حق باشد: اعم از حق دینی یا حق عینی مانند حق انتفاع و حق ارتفاق، حق تالیف، حق

خيار.<sup>۱</sup>

مشهور بین فقهای امامیه این است که برای مهریه، حداقل و حداکثری نیست و مقدار آن بستگی به تراضی طرفین دارد.<sup>۲</sup> ولی در روایات، حد مستحبی را مشخص می‌نمایند که بهتر است از مهر السنه تجاوز ننماید.

چنانچه به غیر از زوج و زوجه کسان دیگر بر آن توافق نمایند، بدون موافقت زوجین صحیح نیست مگر آن که در نهایت به امضای آنان برسد، زیرا طرفین در عقد نکاح، زوج و زوجه هستند و آنانند که باید در مقدار مهریه تصمیم بگیرند، نه کسان دیگر.

باید بیان داشت که هر چند برای حداکثر مهریه میزانی مقرر نیست، لکن حداقل آن باید چیزی باشد که مالیت داشته و بتوان برای آن ارزش قایل شد.<sup>۳</sup> و الا اگر مقدار مهریه به اندازه‌ای کم باشد که آنرا از مالیت خارج کند مهر مزبور باطل است. قانون مدنی نیز در این خصوص از فقهای امامیه پیروی کرده و برای مهریه، از نظر مقدار، حداقل و حداکثری معین نکرده است و فقط در ماده ۱۰۸۰ بیان می‌دارد که «تعیین مقدار مهریه منوط به تراضی طرفین است».

شکی نیست که هر چند تعیین مهرهای سنگین، از نظر شارع مقدس، ممنوع شناخته نشده، اما ناپسند و مذموم است؛ در عین حال که اسلام حداکثری برای مهریه تعیین نکرده و مقدار آن را به توافق طرفین واگذارده است، ولی سیره و روش ائمه و احادیث و روایات متعدد وارده، همواره مسلمانان را به تعیین مهرهای سبک دعوت و تشویق کرده‌اند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## انواع مهریه

### ۱. مهرالمسمی

مهرالمسمی عبارت است از مال معینی که در هنگام عقد به عنوان مهریه با توافق زوجین تعیین می‌شود یا اینکه شخصی که زوجین انتخاب کرده‌اند معین می‌نمایند.<sup>۴</sup> که در این صورت هر کدام از زوج یا زوجه یا شخص ثالث که برای تعیین مهریه بعنوان داور انتخاب شده است هر مقدار که بخواهد و صلاح بداند، می‌تواند مهرالمسمی قرار دهد، ولی در صورتی که زوجه خود مأمور تعیین مهریه باشد براساس ماده ۱۰۹۰ قانون مدنی، نمی‌تواند بیش از معمول عرف که برای امثال او تعیین می‌شود، برای خود مهریه قرار دهد و اختیار او برای تعیین مهریه تنها به اندازه مهرالمثل است. موضوع مهرالمسمی باید واجد شرایط عمومی مورد معامله باشد که عبارتند از:

۱. صفایی وامامی، همان، ص ۱۲۳

۲. عبده (بروجردی)، محمد، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۰۵

۳. ذهنی تهرانی، محمد جواد، ترجمه شرح لمعه، ص ۱۵

۴. صفایی وامامی، همان، ص ۱۴۹

۱. مالیت داشته باشد.
۲. قابل تملک باشد.
۳. معلوم باشد تا حدی که رفع جهالت نماید.
۴. منفعت عقلایی مشروع داشته باشد.
۵. قابل تسلیم باشد.

## ۲. مهرالمثل

در موردی است که یا در عقد ذکری از مهریه نشده است و یا اینکه تراضی در باب مهرالمسمی باطل اعلام شود. در تعیین مهرالمثل حال زن از نظر صفات و حالات او در نظر گرفته می‌شود و باید توجه داشت که مقدار آن محدود است و استحقاق زن برای دریافت مهرالمثل بعد از نزدیکی ایجاد می‌شود. اگر در عقد نکاح دائم مهریه ذکر نشود، نکاح درست است و طرفین می‌توانند پس از آن بین خود به صورتی، در مورد آن سازش کنند و هرچه را خواستند معین نمایند و اگر پیش از تراضی در مورد مهریه نزدیکی واقع شود، زن مستحق مهرالمثل است؛ یعنی مهریه‌ای مثل مهریه زنان هم‌شان او برای او در نظر گرفته می‌شود. مهرالمثل در زبان حقوقی به مهری گفته می‌شود که مقدار آن، با رعایت حال زن از حیث شرافت و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته می‌شود.

استحقاق زن در گرفتن مهرالمثل بعد از نزدیکی ایجاد می‌شود، خواه زوجیت ادامه یابد یا در اثر طلاق، فوت یا فسخ نکاح، منحل شود.

عواملی که باعث استقرار مهرالمثل می‌شوند، عبارتند از:

۱. هر گاه مهریه در عقد نکاح تعیین نشده باشد و قبل از تراضی آنها بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود.
۲. و یا اینکه هر گاه عدم مهریه در عقد نکاح شرط شده باشد و قبل از اینکه بین آنها تراضی شود نزدیکی واقع شود.
۳. هر گاه مهرالمسمی به جهتی از جهات باطل باشد، چنانچه مال تعیین شده مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد.
۴. هر گاه نکاح باطل و زن نیز جاهل به بطلان عقد نکاح نبوده باشد و بین آنها نزدیکی واقع شده باشد.



### ۳. مهرالتمعه

هر گاه مهریه در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهریه زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالتمعه است، در جامع‌العباسی آمده است که مهرالتمعه آن است که اگر شوهر مال دار باشد، جامه‌های (گرانیه‌ها) یا اسب که ده مثقال طلا می‌ارزد، یا ده مثقال طلا به او دهد و اگر مفلس باشد، انگشتری طلا یا نقره؛ و اگر متوسط الحال باشد پنج مثقال طلا. مستند فقهای امامیه برای الزامی بودن مهرالتمعه قرآن و سنت است که در آیه ۲۳۶ سوره بقره به این امر اشاره شده است.<sup>۱</sup>

برای تعلق مهرالتمعه به زن سه شرط لازم است:

۱. در عقد نکاح مهری ذکر نشده باشد و بعداً نیز زوجین آن را تعیین نکرده باشند.

۲. نزدیکی واقع نشده باشد.

۳. جدایی میان زوجین از طریق طلاق باشد.<sup>۲</sup>

علت پرداختن مهرالتمعه به زن برای جبران توهینی است که نسبت به او در اثر طلاق قبل از نزدیکی، حاصل شده است.<sup>۳</sup> حال اگر عقد آنها به وسیله چیزی غیر از طلاق، فسخ شود و یا اینکه یکی از آنها فوت کند قبل از تعیین مهریه و قبل از نزدیکی، زن مستحق چیزی نخواهد بود و یا اینکه درخواست طلاق از طرف زن باشد. برای تعیین مهرالتمعه باید توجه داشت که برخلاف مهرالمثل، حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می‌شود که قانون در ماده ۱۰۹۴ آن را بیان کرده است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### ۴. مهرالسنه

که مقدار آن ۵۰۰ درهم است که معادل ۲۶۲ مثقال نقره خالص است. اگر مرد، زن را به کتاب خدا و سنت پیغمبر (ص) تزویج کند مهریه او پانصد درهم است. قیمت پانصد درهم (هر درهم معادل دو گرم و نیم نقره خالص است چون درهم ۶/۱۲ نخود است) را پنجاه دینار تعیین می‌کند. در جاهای دیگر آمده است که دینار برابر است با یک مثقال شرعی طلا. علت آنکه این مبلغ را مهرالسنه گویند این است که رسول خدا (ص) این مبلغ را مهریه صبیبه و زنان خود قرار داده است.

### نحوه مالکیت زن نسبت به مهریه

زوجه به مجرد انعقاد عقد نکاح، مالک مهریه می‌شود و چون مالک می‌تواند هرگونه تصرفی را در ملک خود بنماید، زن نیز می‌تواند چنین کند مثلاً اگر مهریه وجه نقد باشد او می‌تواند آن را به همسر

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۵۱

۲. کاتوزیان، همان، ص ۱۳۰

۳. امامی، سید حسن، حقوق خانواده، ج ۴، ص ۱۲۴

یا دیگری هبه کند، یا اینکه ذمه زوج را از پرداخت آن ابراء نماید. یا اینکه اگر خانه‌ای باشد می‌تواند آن را بفروشد یا اجاره دهد.

اگرچه زن به موجب عقد نکاح مالک مهریه می‌شود اما استقرار این مالکیت او نسبت به تمام مهریه منوط به وقوع نزدیکی بین طرفین است چنانچه قانون مدنی در ماده ۱۰۹۲ به این موضوع اشاره کرده است:

«هرگاه شوهر قبل از نزدیکی، زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهریه خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهریه را قبلاً داده باشد، حق دارد مازاد را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.»<sup>۱</sup>

نکته قابل ذکر این است که اجرای حکم مقرر در ماده ۱۰۹۲، منحصر به مورد طلاق است و نباید به موارد دیگر انحلال تسری یابد. بنابراین هر گاه نکاح قبل از نزدیکی به سبب فوت یکی از زوجین منحل شود، مالکیت تمام مهریه برای زن ثابت می‌شود. اما هرگاه نکاح بدون مهریه منعقد شده و قبل از تعیین مهریه، به سبب فوت یکی از زوجین منحل شود، زن استحقاق دریافت چیزی را نخواهد داشت.

### حق حبس

حق حبس زن در خودداری از تمکین تا تسلیم مهریه از جانب شوهر، یکی از جمله مواردی است که قانونگذار موضوع حق حبس بیان داشته است. ماده ۳۷۷ قانون مدنی مقرر داشته است که: «هر یک از بايع و مشتري حق دارد، از تسليم مبيع يا ثمن خودداری کند تا طرف ديگر حاضر به تسليم شود. مگر اينکه مبيع يا ثمن موجد باشد که در این صورت هر کدام از مبيع و ثمن که حال باشد باید تسليم شود. این حق که هر یک از طرفین می‌تواند در صورت عدم انجام تعهد از جانب معامل مقابل، از تسليم مبيع يا ثمن، خودداری نماید، به حق حبس (Droit de Retention) تعبیر شده است.»

قانون مدنی همچنین در ماده ۱۰۸۵ در بیان حق حبس زن بیان می‌دارد که «زن می‌تواند تا مهریه به او تسليم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند، مشروط بر اینکه مهریه او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود». باید توجه داشت که این امتناع زن نفقه او را ساقط نمی‌کند. بدلیل آنکه در این گونه موارد که زن از حق حبس خود استفاده می‌کند ناشزه محسوب نمی‌شود، زیرا خودداری از تمکین حقی است که به موجب قانون برای زن مقرر گردیده و طبق اصول کلی حقوقی، هیچکس نباید در مقام اجرا و اعمال حقوقی قانونی خود زیان ببیند.

حق حبس برای زن تا دریافت مهریه، اعم از آنکه شوهر غنی باشد یا بی‌چیز شناخته شده است. زیرا در اعسار شوهر، اگرچه مطالبه مهر را از سوی زوجه ساقط می‌نماید و زن نمی‌تواند مادام

که شوهر معسر است، مهر خود را بخواهد، ولی این امر موجب سقوط حق امتناع او و استفاده از حق حبس، که مبتنی بر قواعد معاوضه است نمی‌گردد.<sup>۱</sup>

حال اگر زن قبل از اخذ مهریه، به انجام وظایفی که در مقابل شوهر دارد تمکین نماید (در مفهوم خاص) به طور ضمنی حق حبس خویش را اسقاط کرده و محلی برای استناد به حق حبس نخواهد داشت. حال اگر زن بر اثر اکراه از شوهر تمکین نماید قبل از اینکه مهر خود را دریافت کرده باشد، می‌تواند پس از رفع اکراه از انجام وظایف زناشویی امتناع کند تا مهر خود را دریافت کند. زیرا حق حبس برای زن ایجاد شده و حق با اراده صاحب آن یا به حکم قانون ساقط می‌شود و در مورد اکراه موجبی برای سقوط حق حبس نیست و بقای حبس، استصحاب می‌شود. اما اگر شوهر مجبور به تسلیم مهریه شود پس از رفع اکراه، نمی‌تواند آن را پس بگیرد.

در اینجا لازم به ذکر است که طبق ماده ۳۷۷ ق.م.ا می‌توان گفت که حق حبس اختصاص به زوجه ندارد، بلکه برای زوج نیز محسوب می‌شود، به صورتی که زوج در مقام امتناع زوجه از تمکین، از دادن مهریه خودداری ورزد و در واقع استیفاء مهریه را منوط به تمکین زن نماید. البته این حق در صورتی برای زوج وجود دارد که عقد نکاح مطلق باشد.

### استقرار مهریه

عواملی که باعث استقرار مهریه بر ذمه شوهر می‌شود عبارتند از:

#### نزدیکی، خواه از قبل و یا از دبر

در مورد نزدیکی خواه از قبل یا دبر قانون مدنی به صراحت متعرض این موضوع نشده ولی از مفهوم مخالف ماده ۱۰۹۲ استنباط می‌گردد، ماده مذکور مقرر می‌دارد:

هرگاه شوهر قبل از نزدیکی، زن خود را طلاق دهد، زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر پیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد، حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.

#### ارتداد زوج در چگونگی استقرار مهریه

هرگاه زوج قبل از نزدیکی مرتد گردد زوجه بلافاصله باید از وی جدا شود ولی تمام مهر به نفع وی مستقر می‌گردد که مشهور فقها بر این نظرند.

#### فوت زوج یا زوجه

مشهور فقهای امامیه معتقدند که چنانچه زوج یا زوجه قبل از نزدیکی بمیرد تمام مهرالمسمی به نفع زوجه مستقر می‌گردد، ولی اکثر فقهای معاصر خلاف مشهور فتوا میدهند.<sup>۲</sup>

۱. امامی، همان، ج ۴، ص ۳۹۵

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۰

## مهریه دینی بر ذمه‌ی شوهر

مهر در حکم دین است و با دیون دیگر هیچ فرقی ندارد و همان گونه که اگر مرد مدیون کسی باشد به محض توانایی مالی باید ادای دین کند، مهر هم همین حالت را دارد و چنانچه مرد توانایی دارد باید بپردازد.

چنانچه زن مهر را مطالبه کند مرد نباید از مطرح شدن آن ناراحت گردد زیرا در ابتدای پیوند ازدواج این شرط را پذیرفته است، همچنین مهر حق زن است و به محض آن که به عقد مرد در می‌آید مالک آن می‌شود و پرداخت آن بر ذمه‌ی مرد است تا در اولین فرصتی که تمکین پیدا کند آن را بپردازد.

قانون مدنی در خصوص دین بودن مهر بر ذمه‌ی شوهر، در ماده ۱۰۸۲ بیان داشته است که: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.» یعنی این ماده اصل را در پرداخت و تسلیم نقدی و حال مهر می‌داند.

در ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی آمده است که: «برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مدت یا اقساطی قرار داد.» که استنباطی جز، دین بودن مهر بر ذمه‌ی شوهر از مفاد این ماده نمی‌توان داشت.

## لزوم تعیین مهریه

مهریه یکی از ارکان عقد نکاح و یا به عنوان یکی از عوضین به شمار نمی‌آید و لذا خللی در اصل عقد وارد نمی‌سازد؛ اما از نظر حکم، تابع قواعد و احکام معاملات است و چنانچه در عقد نکاح مهر ذکر شود (مهرالمسمی) بایستی از جهالت و ابهام مطلق میرا باشد.

قانون مدنی اثر مجهول بودن مهر و یا مالیت نداشتن آن را در ماده ۱۱۰۰ ذکر کرده و مقرر داشته است که جهالت به مهر و مالیت نداشتن آن موجب بطلان نکاح نخواهد شد، بلکه مهر باطل و مانند صورتی است که مهر ذکر نشده باشند.

مهر باید تا حدی که رفع جهالت طرفین شود معلوم باشد؛ بنابراین، تعیین دقیق مهر از نظر وزن، کیل و مساحت لازم نیست و صرف قابلیت تعیین کافی است و از این نظر با سایر معاوضات تفاوت دارد؛ مثلاً بسیاری از مواقع مشاهده عین خارجی رافع جهالت است؛ مانند آنجا که مهر، باغ یا خانه و یا قطعه‌ای طلا می‌باشد که در این گونه موارد با مشاهده، جهالت مطلق رفع می‌شود و غرر لازم نخواهد آمد، و اگر مهر عین نباشد و یا مورد مشاهده نباشد، به هر حال باید خصوصیات آن از نظر کمیت و کیفیت توصیف گردیده تا رافع جهالت باشد؛ مثل آن که اگر مهریه آموزش قرآن باشد باید معین گردد که همه قرآن و یا بعضی از سوره‌های آن مراد است، و سوره‌ها نیز باید به طور دقیق معین گردد؛ زیرا سوره‌های قرآن کمأ و کیفأ مختلف و متفاوت است.<sup>۱</sup>

## مهریه به نرخ روز

موضوع مهریه به نرخ روز، مبتنی بر نظریه کاهش قدرت خرید پول است که به مساله مهریه اختصاص ندارد، بلکه باید در تمام موارد دیون فقهی و حقوقی اجرا شود. قبل از زمانی که موضوع به روز کردن مهریه در مجلس به تصویب رسید، چنین نظریه‌ای در منابع حقوقی سابقه نداشته و توجه قانونگذاران را جلب نکرده بود. البته درست است که خسارت تاخیر تادیه در قوانین پیش‌بینی شده بود ولی باید توجه داشت که خسارت تاخیر چیزی غیر از کاهش قدرت خرید پولی است. پرداخت کاهش قدرت خرید پول، ادای دین در ذمه است و خسارت تاخیر، جبران زیان حاصل سود ناپود شده است.<sup>۱</sup>

نوسانات پولی و فراز و نشیب‌های اقتصادی، موجب می‌شود پولی را که در کشور جریان دارد طی سالیان دارای ارزش ثابتی نباشد و با افزایش نرخ تورم و به تناسب بحرانهای اقتصادی، قدرت خرید مقدار معینی پول، کمتر گردد. این کاهش ارزش گاهی تا به اندازه‌ای است که ممکن است پس از گذشت مدت زمانی اختلاف و ارزش مبلغ و قدرت خرید پول، دهها برابر گردد.<sup>۲</sup>

چون زن به موجب عقد نکاح، مالک مهریه می‌گردد در صورتی که مرد آن را به وی تسلیم یا تادیه نکرده باشد، زن حق دارد درخواست تادیه آن را بنماید و حتی به دستور ماده ۱۰۸۵ ق.م.ز.ن می‌تواند تا تسلیم مهریه از انجام وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع نماید. بنابراین زوج موظف است آن مقدار مهریه‌ای که تعیین شده است، به زوجه پرداخت نماید.

اسکناس که ممکن است به عنوان مهریه در عقد نکاح تعیین شود عبارت است از چیزی که در آن توسط مرجعی معتبر، یعنی، قانونگذار، به نحو قدرت خرید، اعتبار مالیت و ارزش قرار داده شده است و می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های مهم اسکناس، همان مالیت و ارزش داشتن آن است. مالیت و ارزشمند بودن اسکناس صرفاً اعتباری می‌باشد و با قطع نظر از اعتبار مالیت توسط قانونگذار، اسکناس هیچگونه مرغوبیت و ارزش اقتصادی ندارد؛ زیرا نیازمندیها و احتیاجات را برطرف نمی‌سازد.<sup>۳</sup>

با مراجعه به تاریخ ادوار گذشته می‌بینیم که انسانهای اولیه، معاملات خودشان را به نحو پایاپای انجام می‌دادند. بعدها یعنی در دوران قبل از اسلام عقلاً برای تسهیل و تسریع در امور اقتصادی‌شان به ضرب سکه و طلا و نقره اقدام می‌کردند و به وسیله این سکه‌ها معاملاتشان را انجام می‌دادند و این ضرب سکه‌های طلا و نقره تا بعد از پیدایش دین مبین اسلام همچنان ادامه داشت. به مرور ایام، از برای تسهیل کارها این سکه‌ها تبدیل به اسکناس و اسنادی مانند چک و برات و غیره شد که

۱. محقق داماد، همان، ص ۲۲۴

۲. موسوی بجنوردی، سید محمد، مجموعه مقالات حقوقی، ص ۴۸۵

۳. همان، ص ۴۸۶

تقریباً امروزه عالی‌ترین وسیله‌ای است که برای انجام معاملات و کارهای اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

چنین اموالی نزد عرف عقلا و خردمندان جوامع، دارای مرغوبیت و ارزش اقتصادی بوده و برطرف کننده احتیاجات می‌باشند. دارنده اسکناس، مالک قدرت خرید معینی خواهد بود. تمام حقیقت و هویت اسکناس عبارت است از قدرت بر خرید و قدرت بر توانایی بر رفع احتیاجات است و دارنده اسکناس به عنوان دارنده مال اعتباری و جعلی، قدرت خرید خاصی خواهد یافت و اسکناس، نماینده و حاکی از قدرت خرید خاص و معینی می‌باشد که در خود اسکناس اعتبار شده است. بدین ترتیب حقیقت اسکناس، نتیجه صرف مالیت نیست، بلکه نتیجه اعتبار ارزش و مالیت به نحو قدرت خرید می‌باشد.

قدرت خرید اعتبار شده در اسکناس، طبیعی لایشرط از شماره‌های اسکناس می‌باشد؛ لذا فرقی میان قدرت خرید موجود در این شماره از اسکناس با شماره‌های دیگر وجود ندارد. اسکناس، نفس قدرت خرید نمی‌باشد، بلکه صرفاً حاکی از قدرت خرید است.

با شناخت حقیقت اسکناس و مفهوم قدرت خرید، می‌توان چنین مال اعتباری را موضوع مهریه دانست. در قرارداد نکاح، ذمه زوج به مبلغ معینی به عنوان مهریه در مقابل زوجه مشمول خواهد شد و در حقیقت، بدهی زوج همان قدرت خرید موجود در آن مبلغ اسکناس خواهد بود، نه نفس اسکناس‌ها. لذا زوجه، مالک میزان توان قدرت خرید است و هر وقت بخواهد می‌تواند آن را مطالبه نماید، زوج باید همان میزان قدرت خرید را بپردازد تا ذمه‌اش تفریغ گردد و چه بسا آن میزان قدرت خرید در اسکناس‌های بیشتری در زمان پرداخت منعکس شده باشد و باید توجه داشت که محاسبه به نرخ روز در مورد مهریه زنانی است که مهریه آنها را اسکناس قرار داده‌اند نه سکه طلا و نقره و... و براءت ذمه شوهر وقتی تحقق پیدا می‌کند که محاسبه دقیق انجام گیرد و باید قدرت خرید آن تا روزی که ذمه‌اش مشغول شده را ادا کند و محاسبه کند که در چه مقدار از اسکناسها، آن قدرت خرید متجلی می‌گردد تا آن را به همسرش بپردازد.<sup>۱</sup> در سالهای اخیر کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی که بررسی‌کننده طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به عنوان ماده واحده بودند؛ اقدام به کسب نظر از چند تن از مراجع و آیات عظام حوزه‌های علمیه در این زمینه نمود که نظرات عنوان شده در این خصوص را می‌توان به قرار ذیل دسته‌بندی کرد:

۱- تعدادی از علماء از جمله: حضرت امام خمینی (ره)، آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله رضوانی، آیت‌الله مرعشی شوشتری و آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل، تعدیل مهریه براساس نرخ تورم را خلاف شرع دانسته و عنوان کرده‌اند که ملاک و معیار همان پول است که براساس آن عقد جاری شده و با گذشت زمان، تغییر پیدا نمی‌کند. به بیانی دیگر یعنی

کاهش قدرت خرید پول تاثیری در مهریه نداشته و مرد ملزم به پرداخت مبلغی است که در هنگام تعیین مهریه، مقرر گشته است.

۲- عده‌ای دیگر از جمله آیت‌الله لنکرانی، آیت‌الله بهجت، آیت‌الله مرعشی و آیت‌الله سبحانی و... معتقد به تاثیر کاهش قدرت خرید پول در نوع پرداخت مهریه نیستند، اما حکم جدیدی نیز نمی‌دهند، بلکه معتقدند که زن و مرد باید با یکدیگر مصالحه کنند یعنی مهر، طوری محاسبه شود که هم مرد و هم زن راضی باشند.

۳- عده‌ای دیگر نیز از جمله: آیت‌الله موسوی بجنوردی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله محمدی گیلانی، شهید آیت‌الله دکتر بهشتی و... ارزش اعتباری پول را پذیرفته‌اند و حکم به تطبیق مهریه به نرخ روز می‌دهند یعنی معتقدند که پول ارزش واقعی ندارد و آنچه امروزه وسیله دادوستد است، نمی‌تواند معیار و ملاک اصلی در ارزش باشد. آنها بر این نظرند که باید محاسبه شود آن مبلغی که به عنوان مهریه تعیین شده است، در زمان خودش چقدر ارزش داشته، به این عبارت که چقدر قدرت خرید کالا داشته، امروزه نیز باید رقمی تعیین شود که همان قدرت خرید را داشته باشد و حتی معتقدند که کلیه دیون و بدهی‌ها می‌تواند با نرخ تورم محاسبه شوند.

و نیز لازم به ذکر است که عده‌ای دیگر از فقها همین عقیده را قبول دارند، اما محاسبه مهریه به نرخ روز را با اضافه کردن شرطی به آن پذیرفته‌اند، به این معنی که اگر زن مهریه خود را مطالبه کرده و شوهر به او پرداخت نکرده باشد، مهریه باید به قیمت روز محاسبه شود، ولی اگر مطالبه نکرده باشد، نمی‌توان بیشتر از آنچه در اجرای عقد تعیین شده، از شوهر مطالبه کند.

با آنکه تعدادی از فقها و علمای بزرگ معتقدند که کاهش قدرت خرید پول تاثیری در مهریه زن ندارد، اما با توجه به مفهوم مال و نظریه پول و ارزش اعتباری که برای پول در حال حاضر در نظر گرفته می‌شود با امان نظر به تحلیل حقوقی در خصوص وحدت موضوع تعهد و تسلیم در مورد دیون پولی، می‌توان گفت که تعدیل مهریه (محاسبه به نرخ روز) مهری که وجه رایج بوده خلاف شرع نیست و می‌توان گفت که طرح تعدیل مهریه حتی به سایر دیون که وجه رایج بوده، قابل تسری است.

نحوه محاسبه ارزش فعلی مهریه براساس ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۷/۲/۱۳ هیأت وزیران، تعیین شده است. که ارزش مهریه در حال حاضر برابر با عدد شاخص قیمت‌ها در سال قبل تقسیم بر عدد شاخص در سال وقوع عقد ضرب در مبلغ مهریه مندرج در عقدنامه است.

لازم به تذکر است که زن همواره می‌تواند مهریه خود را مطالبه نماید؛ اما چون به دلایل عاطفی و فرهنگی به هنگام اختلاف، مهریه مطالبه می‌شود این تصور غلط رواج یافته است که اولاً مهر فقط هنگام طلاق پرداخت می‌شود و ثانیاً اگر زن خواهان جدایی باشد حقی بر مهریه ندارد. این

تصور غلط است و هر گاه مهریه معین از قبیل خانه، طلا یا اتومبیل باشد به هنگام مطالبه عینا باید به زن تسلیم شود و اگر وجه رایج باشد به طریق فوق محاسبه و پرداخت خواهد شد.

### نتیجه گیری

با توجه به دیدگاه‌های فقها و حقوقدانان می‌توان گفت که مهریه عبارت است از مال معینی که زن به مناسبت عقد نکاح مالک آن می‌گردد و مرد به الزام شرع و قانون، ملزم به دادن آن به زن می‌شود. مسأله‌ی مهریه موضوع جدیدی نبوده و در ادوار ماقبل تاریخ به شکل خاص خود وجود داشته و بعدها در گذر زمان و با پیشرفت صنعت، اقتصاد و ترقی اخلاق و حقوق، به عنوان یک تاسیس در عقد نکاح، رخ نمایانده است. مهریه از احکام تاسیسی دین اسلام نبوده بلکه با توجه به سبق وجود آن در ادیان و ملل مختلف، با ترتب آثار خاص بر آن، با انگیزه و هدف و فلسفه‌ی مشخص، مورد تایید و امضاء قرار گرفته است.

ماهیت حقوقی مهریه «دینی» بر ذمه‌ی شوهر و یا هر کس که متعهد به پرداخت گردیده است، میباشد؛ بنابراین مرد به هر نحو ضامن پرداخت آن محسوب می‌شود. اگر مهریه به همان میزان زمان تعیین باشد با توجه به تورم موجود زن متضرر می‌شود؛ بنابراین مهریه باید به گونه‌ای پرداخت شود که زن متضرر نشود. و این در تمام مواردی است که مهریه وجه رایج بوده است که مهریه در این صورت به نرخ روز محاسبه می‌گردد. چون اگر مهریه عین باشد محاسبه آن به نرخ روز معنا ندارد.

تعدیل مهریه و محاسبه آن به نرخ روز به صورتی که امروزه وجود دارد، در فقه فاقد سابقه است. علت هم آن است که در آن زمانها وجه رایج، درهم و دینار بوده که خود ارزش ذاتی داشته و فاقد پشتوانه‌ی اعتباری صرف بوده است.

با توجه به ماهیت پول (اسکناس) که از آن به «قدرت خرید» تعبیر می‌شود و با عنایت به عملکرد و چیستی پول در حال حاضر، جبران کاهش قدرت خرید پول - چه در خصوص مهریه در عقد نکاح و یا هر گونه دیون پولی - مشروعیت دارد. با آنکه تعدادی از فقها و علما بزرگ معتقدند که کاهش قدرت خرید پول تأثیری در مهریه زن ندارد، اما با توجه به مفهوم مال و نظریه‌ی پول و ارزش اعتباری که برای پول در حال حاضر در نظر گرفته می‌شود و با امعان نظر به تحلیل حقوقی در خصوص وحدت موضوع تعهد و تسلیم در مورد دیون پولی، می‌توان گفت که تعدیل (محاسبه به نرخ روز) مهریه‌ای که وجه رایج بوده، خلاف شرع نیست و همچنین می‌توان گفت که طرح تعدیل مهریه به سایر دیونی که وجه رایج بوده قابل تسری است.

سال پنجم، شماره نازدهم، تابستان ۱۳۹۰



## منابع

۱. آراد، علی، ۱۳۴۱ش، مهر، تاریخچه و ماهیت و احکام آن (از نظر حقوق مدنی ایران و مقایسه با مذاهب مختلف)، چاپ مصطفوی، تهران، چاپ اول.
۲. امامی، سیدحسن، ۱۳۷۱، حقوق مدنی، جلد چهارم، کتابفروشی اسلامی، تهران، چاپ هفتم.
۳. باباخانی، زرین، ۱۳۷۷، مهریه حقوق خاصه‌ی زوجه، نشر رامین، تهران، چاپ اول.
۴. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغت‌نامه، جلد چهارم و سیزدهم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
۵. ذهنی تهرانی، سیدمحمدجواد، ۱۳۶۸، المباحث‌الفقهیه فی شرح‌الروضه‌البهیة (راهنمای فارسی شرح لمعه)، جلد ۱۸، انتشارات کتابفروشی وجدانی، قم، چاپ اول.
۶. صفایی، سیدحسین، ۱۳۷۶، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، نشر دادگستر، چاپ اول.
۷. عبده (بروجردی)، محمد، ۱۳۸۱، کلیات حقوق اسلامی، انتشارات رهام، تهران، چاپ اول.
۸. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
۹. کاتوزیان، دکترناصر، ۱۳۷۱، حقوق مدنی، جلد اول، انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران، چاپ سوم.
۱۰. محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۷، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن (مواد ۱۰۳۴ تا ۱۱۵۷)، نشر علوم اسلامی (اندیشه‌های نو در علوم انسانی)، چاپ پانزدهم.
۱۱. موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۹۰ق تحریرالوسیله، انتشارات اسماعیلیان.
۱۲. موسوی بجنوردی، آیت‌الله سیدمحمد، مهرماه، ۱۳۸۱، مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۱۳. نجفی، شیخ محمدحسن، ۱۹۸۱م، جواهرالکلام فی شرح تشریح الاسلام، جلد ۳۰، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
۱۴. یثربی قمی، سیدعلی‌محمد، ۱۳۷۶، حقوق خانواده (در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران)، شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول.
۱۵. یوسف زاده، حسن، ۱۳۸۴، «پایش جامعه شناختی»، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۷.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی